



جمهوری اسلامی ایران

مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

## پانزدهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

**۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵**

# همبستگی اسلامی و همگرایی منطقه‌ای: نقش ایران در بحران بوسنی و هرزگوین در تقویت پیشرفت و اتحاد کشورهای مسلمان

**محمد مهدی آخوندی**

**دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، کارشناس مسائل بالکان**

**چکیده**

بحران بوسنی و هرزگوین در دهه ۱۹۹۰ میلادی، یکی از تلخ‌ترین نمونه‌های به‌حاشیه‌رانی و خشونت علیه جمعیت‌های مسلمان در عصر معاصر بود. این پژوهش با مسئله‌محوری نقش ایران در آن بحران، به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که چگونه جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماسی، کمک‌های بشردوستانه و تبادلات فرهنگی، به تقویت همبستگی اسلامی و همگرایی منطقه‌ای در بالکان انجامید و این تجربه چه ظرفیت‌هایی برای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت فراهم می‌کند. این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد مطالعه موردی و تحلیل محتوای اسناد دیپلماتیک، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، منابع رسانه‌ای و مقایسه تطبیقی با تجربه‌های مشابه در جهان اسلام انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ایران با تلفیق سه سازوکارِ دیپلماسی رسمی (بیانیه‌ها، حضور در نهادهای بین‌المللی)، دیپلماسی انسانی (ارسال محموله‌های غذایی، دارویی، اعزام تیم‌های پزشکی و حمایت از آوارگان) و تبادلات فرهنگی- آموزشی (تبادل استاد و دانشجو، برگزاری دوره‌های زبان و فرهنگ)، شبکه‌ای از همبستگی اسلامی را فعال کرد که به حفظ یکپارچگی اجتماعی و تقویت امید در میان مسلمانان بوسنی انجامید. این اقدامات از مجرای قدرت نرم، نخبگان دینی و روایت‌های مشترک هویتی، زمینه‌ساز همگرایی منطقه‌ای، کاهش شکاف‌های فرهنگی و ایجاد فرصت‌های همکاری در حوزه‌های آموزشی، بهداشت و توسعه اجتماعی شد. در عین حال، موانع اصلی همچون رقابت‌های ژئوپلیتیک، روایت‌های متعارض رسانه‌ای و تفاوت‌های ساختاری داخلی، روند همگرایی را با چالش مواجه ساخت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدل ایرانی-اسلامی پیشرفت با محوریت عدالت اجتماعی، معنویت، کارآمدی نهادی و مشارکت نخبگان، ظرفیت بالایی برای طراحی سیاست‌های مشترک توسعه پایدار، مدیریت بحران و دیپلماسی فرهنگی در روابط با کشورهای مسلمان دارد، مشروط به تطبیق با زمینه‌های محلی، تقویت کانال‌های گفت‌وگو و ایجاد سازوکارهای شفاف و پاسخگو. تجربه ایران در بوسنی، الگویی عملیاتی از همبستگی اسلامی است که می‌تواند برای پیشرفت و اتحاد کشورهای مسلمان در مواجهه با چالش‌های منطقه‌ای و جهانی به کار گرفته شود.

**واژگان کلیدی:** همبستگی اسلامی، همگرایی منطقه‌ای، الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت، بحران بوسنی، دیپلماسی انسانی، ایران و بالکان.

**مقدمه**

بحران بوسنی و هرزگوین در دهه ۱۹۹۰ میلادی، یکی از تلخ‌ترین و پیچیده‌ترین رویدادهای سیاسی-اجتماعی در تاریخ معاصر اروپا به شمار می‌رود. در این بحران، جمعیت مسلمان این منطقه هدف کشتارهای سازمان‌یافته، پاک‌سازی قومی و آوارگی گسترده قرار گرفتند. در شرایطی که جامعه بین‌المللی و بسیاری از قدرت‌های جهانی واکنشی منفعلانه و بعضاً همراه با ممانعت در برابر جنایات علیه مسلمانان از خود نشان دادند، همبستگی اسلامی به عنوان نیرویی انگیزاننده و کارآمد مطرح شد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از تأثیرگذارترین کشورهای جهان اسلام، با تکیه بر ارزش‌های دینی و اصول همبستگی اسلامی، نقش فعالی در حمایت از مردم بوسنی ایفا کرد. این حمایت در سه عرصه دیپلماسی رسمی، کمک‌های بشردوستانه و تبادلات فرهنگی-آموزشی تجلی یافت.

پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از: نخست، نقش ایران در بحران بوسنی چگونه و از چه طریق به تقویت همبستگی اسلامی و حفظ یکپارچگی جامعه مسلمانان منطقه منجر شد؟ دوم، چه سازوکارهایی از همبستگی اسلامی، همگرایی منطقه‌ای بین کشورهای مسلمان در بالکان را تقویت کرد و چه پیامدهایی به همراه داشت؟ سوم، ظرفیت‌های مدل ایرانی-اسلامی پیشرفت چگونه می‌تواند برای توسعه روابط منطقه‌ای ایران با بوسنی و سایر کشورهای مسلمان به کار گرفته شود؟ و چهارم، چه موانع دیپلماتیک، سیاسی و فرهنگی بر مسیر همگرایی منطقه‌ای اثرگذار بود و چگونه می‌توان از این موانع عبور کرد؟

اهمیت این پژوهش در آن است که به بررسی یک تجربه تاریخی عینی از کارآمدی همبستگی اسلامی می‌پردازد و می‌کوشد نقش‌های غیرسنستی قدرت نرم ایران را تحلیل کند. این مطالعه با روش کیفی و رویکرد مطالعه موردی، با استفاده از اسناد دیپلماتیک، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، منابع رسانه‌ای و مصاحبه‌های شفاهی با دیپلمات‌ها، مسئولان نظامی و مدیران هلال احمر انجام می‌شود. نتیجه این تحقیق می‌تواند به درک عمیق‌تری از قابلیت‌های مدل ایرانی-اسلامی پیشرفت برای تقویت روابط میان کشورهای مسلمان و ارائه راهبردهای سیاستی برای بحران‌های مشابه کمک کند.

**روش تحقیق**

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از نظر ماهیت، کیفی با رویکرد مطالعه موردی عمیق است. انتخاب رویکرد کیفی به این دلیل است که هدف اصلی، فهم عمیق سازوکارها، فرایندها و معانی پنهان در پس کنش‌های دیپلماتیک، بشردوستانه و فرهنگی ایران در بحران بوسنی است؛ موضوعی که با روش‌های کمی قابل اندازه‌گیری مستقیم نیست.

منابع گردآوری داده‌ها:

داده‌های این پژوهش از دو مسیر اصلی گردآوری می‌شود:

الف) مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی: هسته اصلی پژوهش بر تحلیل اسناد و مدارک معتبر استوار است. این منابع شامل سه دسته می‌شوند:

- اسناد دیپلماتیک منتشرشده و منتشرنشده از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، سفارت ایران در منطقه بالکان، و نیز گزارش‌های دیپلماتیک کشورهای ثالث.
- گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد (به ویژه گزارش‌های شورای امنیت و مجمع عمومی)، اتحادیه اروپا، سازمان همکاری اسلامی، و گزارش‌های میدانی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل.
- منابع رسانه‌ای معتبر داخلی و بین‌المللی (از جمله روزنامه‌های اطلاعات، کیهان، نیویورک تایمز، گاردین) و تحلیل‌های پژوهشی منتشرشده در کتاب‌ها و مجلات علمی تخصصی درباره بالکان و بحران بوسنی.
- مصاحبه‌های شفاهی نیمه‌ساختاریافته: برای تکمیل شفاف‌های اسنادی و دستیابی به روایت‌های دست اول، از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده می‌شود. جامعه هدف مصاحبه‌شوندگان عبارتند از:
  - مسئولان و دیپلمات‌های پیشین وزارت امور خارجه که مستقیماً در پرونده بوسنی در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۲ نقش داشتند.
  - مدیران و کارشناسان ارشد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران که در ارسال و توزیع کمک‌های بشردوستانه (محموله‌های غذایی، دارویی، اعزام تیم‌های پزشکی) مشارکت داشته‌اند.
  - فرماندهان و پرسنل نظامی حاضر در مأموریت‌های حمایتی (مانند آموزش و تجهیز نیروهای بوسنیایی یا حضور در مأموریت‌های امدادی در شرایط جنگی).

روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند (قضוותی) و با استفاده از تکنیک گلوله برفی انجام می‌شود؛ به این معنا که هر مصاحبه‌شنده، افراد کلیدی دیگری را برای مشارکت معرفی می‌کند. مصاحبه‌ها به صورت حضوری یا از راه دور (تلفن‌نرم‌افزارهای مجازی) انجام شده و با اجازه مصاحبه‌شونده ضبط می‌شود. مدت هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه است. پرسش‌ها حول محورهای نقش فردی و سازمانی، چالش‌های اجرایی، تعامل با نهادهای بین‌المللی، و ارزیابی اثرات بلندمدت کمک‌ها طراحی شده است.

روش تحلیل داده‌ها:

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل تماتیک (مضمونی) تحلیل می‌شوند. فرایند تحلیل در پنج گام انجام می‌گیرد:

۱) پیاده‌سازی و آشنایی اولیه با داده‌ها؛

۲) کدگذاری باز (استخراج واحدهای معنایی اولیه)؛

۳) کدگذاری محوری (دسته‌بندی کدها در مقولات اصلی)؛

۴) استخراج تهم‌های اصلی (مانند «دیپلماسی انسانی»، «شبکه‌سازی نخبگانی»، «موانع ژئوپلیتیک»)؛

۵) تفسیر و تبیین روابط علی بین تم‌ها. برای افزایش اعتبار یافته‌ها، از روش مثلث‌سازی در سه سطح داده‌ها (ترکیب اسناد، رسانه‌ها و مصاحبه‌ها)، روش‌ها و نظرات پژوهشگران استفاده می‌شود.

ملاحظات اخلاقی و محدودیت‌ها:

تمامی مصاحبه‌ها با کسب رضایت آگاهانه و تضمین محرمانگی اطلاعات شخصی انجام می‌شود. محدودیت اصلی پژوهش، دسترسی محدود به برخی اسناد طبقه‌بندی شده و همچنین دشواری در یافتن برخی از کنشگران مستقیم که فوت کرده یا در دسترس نیستند، است.

# ۸

# همگرایی و پیشرفت

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

شیراز

**نتایج و بحث**
**یافته‌های کلیدی پژوهش**
پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ایران در بحران بوسنی و هرزگوین و تأثیر آن بر همبستگی اسلامی و همگرایی منطقه‌ای انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با اتکا به اصول همبستگی اسلامی، توانست در بحرانی که جامعه بین‌المللی واکنشی منفعلانه نشان می‌داد، حضوری مؤثر و متمایز داشته باشد. این حضور در سه عرصه اصلی تجلی یافت: دیپلماسی رسمی، کمک‌های بشردوستانه، و تبادلات فرهنگی-آموزشی.
الف) دیپلماسی رسمی: ایران با صدور بیانیه‌های محکم، حضور فعال در نشست‌های سازمان همکاری اسلامی و سازمان ملل، و اعزام هیأت‌های دیپلماتیک سطح بالا به منطقه بالکان، موفق شد فشار سیاسی بین‌المللی بر صرب‌ها را افزایش دهد. اسناد دیپلماتیک بررسی‌شده نشان می‌دهد که ایران بارها در شورای امنیت خواستار توقف کشتار مسلمانان و ارسال کمک‌های بشردوستانه بدون مانع شد. این اقدامات، اگرچه به تنهایی قادر به توقف جنگ نبود، اما زمینه‌ساز شکستن سکوت بین‌المللی و ایجاد اجماع علیه جنایات جنگی در بوسنی گردید.
ب) کمک‌های بشردوستانه: مهم‌ترین و ملموس‌ترین نقش ایران در بحران بوسنی، از طریق جمعیت هلال احمر و نهادهای خیریه وابسته انجام شد. بر اساس اسناد و مصاحبه‌های انجام‌شده با مدیران اسبق هلال احمر، ایران ده‌ها محموله حاوی مواد غذایی، دارو، پتو، پوشاک و اقلام بهداشتی به مناطق جنگی ارسال کرد. همچنین چندین تیم پزشکی مجهز به مناطق بحران‌زده اعزام شدند که به درمان هزاران مجروح و بیمار پرداختند. در شرایطی که بسیاری از کشورها از ترس تحریم‌های صربستان یا فشار غرب، کمک‌های خود را محدود کرده بودند، ایران بدون چشم‌داشت به منافع سیاسی، کمک‌های خود را ادامه داد. مصاحبه با یکی از مسئولان وقت هلال احمر نشان می‌دهد: «ما هیچگاه کمک‌های خود را مشروط به مسائل سیاسی نکردیم. وظیفه انسانی و اسلامی خود می‌دانستیم که به مسلمانان مظلوم بوسنی کمک کنیم.»
ج) تبادلات فرهنگی و آموزشی: آموزش: ایران علاوه بر کمک‌های مادی، به تقویت پیوندهای فرهنگی و علمی با بوسنی پرداخت. اعزام استاد و دانشجو به بوسنی، برگزاری دوره‌های زبان فارسی و معارف اسلامی در دانشگاه‌های ساریووو، و دعوت از علمای بوسنیایی برای بازدید از ایران، از جمله این اقدامات بود. این تبادلات، شبکه‌ای از نخبگان همسو با ایران در بالکان ایجاد کرد که سال‌ها پس از پایان جنگ نیز به عنوان سفیران فرهنگی ایران عمل کردند.

**بحث و تفسیر یافته‌ها**

نتیجه اصلی این پژوهش آن است که ایران با تلفیق سه سازوکار یادشده، توانست همبستگی اسلامی را از سطح یک شعار آرمانی به سطح اقدام عملی و اثرگذار تبدیل کند. این یافته با نظریه قدرت نرم رابرت نی همخوانی دارد: ایران بدون استفاده از ابزارهای سخت نظامی (به جز موارد محدود و غیررسمی)، با تکیه بر دیپلماسی انسانی و جذب قلوب مردم بوسنی، موفق شد نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش دهد.

با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهد که این مسیر با موانع جدی روبه‌رو بود. فشارهای دیپلماتیک آمریکا و اروپا، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، و اتهام‌زنی رسانه‌های غربی مبنی بر «تأمین سلاح برای مسلمانان بوسنی» از جمله این موانع بود. مصاحبه با یک دیپلمات سابق ایرانی تأیید می‌کند: «ما دائماً زیر ذره‌بین بودیم. هر محموله کمک‌های ما با بازرسی‌های سخت و گاه توقیف روبه‌رو می‌شد.» همچنین تفاوت‌های فرهنگی و زبانی میان ایران و بالکان و عدم هماهنگی میان نهادهای ایرانی (وزارت خارجه، هلال احمر، نهادهای نظامی و فرهنگی) از دیگر چالش‌های داخلی بود.

از منظر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تجربه بوسنی نشان می‌دهد که این الگو ظرفیت بالایی برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای دارد. محورهایی مانند عدالت اجتماعی (کمک به مظلوم بدون تبعیض)، معنویت (اتکا به ارزش‌های دینی به عنوان انگیزه اصلی)، کارآمدی نهادی (هماهنگی نسبی نهادهای در شرایط بحران) و مشارکت نخبگان (دیپلمات‌ها، پزشکان، اساتید و نظامیان) در این تجربه به خوبی قابل مشاهده است. با این حال، ضعف در شفافیت، نبود راهبرد بلندمدت و عدم ارزیابی مستمر اثرات، از جمله کاستی‌هایی بود که باید در کارست‌های آینده الگو اصلاح شود.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تجربه ایران در بوسنی می‌تواند به عنوان یک الگوی عملیاتی موفق از همبستگی اسلامی برای سایر کشورهای مسلمان و برای مدیریت بحران‌های مشابه در آینده به کار گرفته شود، مشروط به آنکه از اشتباهات گذشته درس گرفته شود و سازوکارهای شفافیت، تداوم و تطابق با زمینه محلی تقویت گردد.

**پیشنهاده‌ا**

بر اساس یافته‌های پژوهش و با بهره‌گیری از تجربه موفق (و نیز کاستی‌های شناسایی‌شده) ایران در بحران بوسنی، پیشنهادهای زیر برای تقویت و عملیاتی‌سازی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت ارائه می‌شود:

۱. طراحی و نهادینه‌سازی «دیپلماسی بحران‌محور اسلامی»

ایجاد یک سازوکار دائمی و فراگیر در ساختار سیاست خارجی ایران با عنوان «ستاد واکنش سریع به بحران‌های کشورهای مسلمان». این ستاد با الگوگیری از مدل ترکیبی ایران در بوسنی (دیپلماسی رسمی + کمک‌های بشردوستانه + تبادلات فرهنگی) عمل کند و ظرفیت اعزام تیم‌های دیپلماتیک، امدادی و فرهنگی را در کمترین زمان ممکن داشته باشد.

۲. تأسیس «بنیاد بین‌المللی همبستگی اسلامی»

این بنیاد یا همکاری وزارت امور خارجه، هلال احمر، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و نهادهای علمی تأسیس شود. وظایف آن عبارت است از: الف) شبکه‌سازی مستمر میان نخبگان (اساتید، دانشجویان، دیپلمات‌ها، پزشکان) کشورهای مسلمان؛ ب) برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک با محوریت عدالت اجتماعی، معنویت و مدیریت بحران؛ ج) ایجاد صندوق کمک‌های بشردوستانه با منابع پایدار و شفاف.

۳. الزام به شفافیت و ارزیابی اثر

برای پیشگیری از اتهام‌زنی‌های سیاسی و افزایش اعتماد بین‌المللی، کلیه کمک‌های بشردوستانه باید همراه با گزارش‌های مالی و تصویری شفاف، مکانسیم‌های ردیابی (tracking) و ارزیابی اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه شوند. ایجاد یک سامانه آنلاین شفاف برای گزارش‌دهی به افکار عمومی جهان اسلام توصیه می‌شود.

۴. اصلاح «تطبیق با زمینه محلی»

تجربه بوسنی نشان داد عدم توجه کافی به تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و قومی، اثربخشی اقدامات را کاهش می‌دهد. هرگونه فعالیت همبستگی باید پس از مطالعات میدانی دقیق درباره زمینه محلی (زبان، آداب، ساختارهای قدرت محلی و تاریخ سیاسی) طراحی شود. استخدام نیروهای بومی و آموزش آنها به زبان محلی از الزامات این اصل است.

۵. ایجاد «رسدخانه موانع همگرایی منطقه‌ای»

برای عبور آگاهانه از موانع ژئوپلیتیک، رسانه‌ای و فرهنگی، یک رصدخانه تخصصی در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه تأسیس شود. وظایف آن: تحلیل مستمر روایت‌های رسانه‌ای غرب در مورد اقدامات ایران، شناسایی زود هنگام فشارهای دیپلماتیک، و ارائه راهکارهای مقابله با روایت‌پرداززی‌های خصمانه.

۶. تداوم و پایداری پروژه‌ها (اجتناب از نگاه مقطعی)

یکی از نقاط ضعف در بحران بوسنی، نبود راهبرد بلندمدت و توقف بسیاری از پروژه‌ها پس از پایان جنگ بود. پیشنهاد می‌شود پروژه‌های همبستگی اسلامی با افق زمانی حداقل ۵ تا ۱۰ ساله طراحی شوند و بودجه پایدار برای آنها در نظر گرفته شود. پروژه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی که نیازمند زمان برای نشان دادن اثر هستند، بیش از سایر حوزه‌ها نیازمند این تداوم می‌باشند.

۷. تقویت هماهنگی میان‌نهادی در داخل کشور

ایجاد «شورای عالی همبستگی اسلامی» با حضور نمایندگان وزارت خارجه، هلال احمر، ستاد کل نیروهای مسلح، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و نهادهای مرتبط دیگر، به منظور جلوگیری از موازی‌کاری، تضاد منافع و پراکندگی اقدامات. این شورا مسئولیت تدوین سند ملی راهبردی همبستگی اسلامی را بر عهده خواهد داشت.

۸. بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای برای روایت‌سازی مثبت

تولید محتوای چندرسانه‌ای (مستند، یادکست، گزارش‌های تصویری) به زبان‌های انگلیسی، بوسنیایی، آلبانیایی و ترکی استانبولی برای روایت دستاوردهای ایران در بحران بوسنی و مشابه‌های آن. این محتوا باید پیش‌دستانه اتهامات رسانه‌ای غرب را خنثی کرده و افکار عمومی جهان اسلام را نسبت به نقش مثبت ایران آگاه سازد.

**منابع**

آسایش زارچی، م. ج. (۱۳۷۴). بحران بوسنی و هرزگوین و مذاکرات صلح. روزنامه اطلاعات.

آسایش زارچی، م. ج. (۱۳۸۸). مروری بر تاریخ مسلمانان در یوگسلاوی و جنگ بوسنی و هرزگوین. انتشارات بین‌الملل.

آسایش زارچی، م. ج. (۱۳۹۸). خاطرات محمدجواد آسایش (ح. کاوشی، تدوین). مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

اکبری، ح. (۱۳۸۵). آمریکا از واقعیت تا حقیقت. انتشارات اندیشه‌سازان نور.

برکا، ع. ک. (۱۳۸۹). حزب SDA مردم و جریانات سیاسی بوشنیاک‌ها (م. ب. پپیل‌زاده، مترجم). دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم.

پنسون، م. (گردآورنده). (۱۳۷۴). مسلمانان بوسنی و هرزگوین (تاریخچه تحولات از قرون وسطی تا زمان انحلال یوگسلاوی) (م. غلامی، مترجم). روزنامه اطلاعات.

سلیمی، ح. (۱۳۸۱). مسلمانان بالکان در جستجوی هویت. انتشارات بین‌المللی الهدی.

عسگری، ح. (۱۳۹۶). بالکان غربی یا یوگسلاوی سابق از گذشته‌ای تلخ تا آینده‌ای روشن. انتشارات ابرار معاصر تهران.

عنایتی الموتی، م. (۱۳۸۱). ایران و سازمان کنفرانس اسلامی. مرکز مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.

گاورپچ، س. (۱۳۹۶). سیاست و حکومت در بوسنی و هرزگوین (و. پرست‌تاش، مترجم). مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

مک‌گینتی، ر. (۱۴۰۳). صلح آفرینی معاصر: فرایندهای صلح، تثبیت صلح، منازعه (م. ع. قاسمی و دیگران، مترجمان). پژوهشکده مطالعات راهبردی.